

## در جست و جوی هویت و بازگشت به آن

این عناصر می‌تواند آنچنان ریشه‌ای عمیق، پایدار و استوار داشته باشد که لایه‌های هویتی را به وجود آورد. احساس پیوستگی به چنین سرمایه‌های معنوی و فرهنگی که در وحدت، انسجام و تشکل جامعه دخالت عمده‌ای دارد، هویت ملی را به وجود می‌آورد. هویت ملی در گذر زمان و بر اثر وقوع حوادث گوناگون گرچه امکان دارد مورد تهاجم قرار بگیرد، ولی در این مسیر پویاتر گشته و عناصر نوینی بدان افزوده می‌شود، و محتوای اصیل، و زیربنای آن دچار ایستایی، رکود و تخریب نمی‌شود. اجزای تشکیل دهنده هویت ملی می‌توانند فراوان و متعدد باشند، ولی تمامی آنها از سرچشمه‌ای مشترک چون جویباری جاری می‌گردند و به سوی مقصدی درست، عالی و زنده روان هستند؛ درست مثل سرشاخه‌های یک رودخانه که از فراز بخش‌های یک منطقه کوهستانی به سوی دشت‌ها روان می‌شوند، و پس از آنکه انسان‌ها را در مسیر از تشنگی نجات دادند، مزارع را سیراب کردند، با رسوبات حاصلخیز خود موجب سرسبزی و آبادی شهرها و روستاها شدند و چشم‌اندازهای زیبایی را پدید آوردند، به سوی دریا یا اقیانوس می‌ریزد، و این گردش پرجوش و خروش همچنان ادامه دارد. یعنی آب دریاها و پهنه‌های عظیم اقیانوسی بر اثر تابش خورشید تبخیر می‌گردند، ابرهایی را در آسمان سامان می‌دهند، این لکه‌های ابر، توده‌ها و جبهه‌های باران‌آور را تشکیل می‌دهند و بر کوهستان‌ها و کوهپایه‌ها فرو می‌ریزند و جویبارهایی را شکل می‌دهند که از به هم پیوستن آنها رودخانه به وجود می‌آید. خوب، در این مثال ما تکثیر و تنوع زیادی می‌بینیم، ولی سرچشمه و هدف یکی است.

پس در هویت ملی، استمرار، انسجام، تحول و دگرگونی دیده می‌شود، ولی خمیرمایه اصلی همچنان محفوظ است و در برخورد با فرهنگ‌های دیگر یا دخالت‌های بیگانگان، درون‌مایه اصلی ثابت می‌ماند و سستی، کاهلی و تزلزل در خود به وجود نمی‌آورد و در برابر دیگران زانو نمی‌زند، که البته تحقق این مهم به عزم ملی و همت مردم بستگی دارد.

### اجزای تشکیل دهنده هویت

می‌گویند، زبان، جغرافیا، ملیت و تاریخ یک سرزمین، چهار رکن اساسی هویت یک ملت هستند. زبان، نخستین بار توسط مادر به کودک آموزش داده می‌شود. گفت‌وگوهای روزانه میان اعضای خانواده و جامعه در شکل‌گیری زبان اطفال نقش مهمی را بر عهده دارد. مراحل بعدی نوشتن و خواندن است، که

### هویت ملی یعنی چه؟

امکان دارد جامعه‌ای و ملتی در طول تاریخ و در بستری جغرافیایی به تلاش‌های علمی و فرهنگی روی آورد؛ نبوغ و اختراعات خود را آشکار کند؛ در برابر جهان‌ها، ستم‌ها، تهاجم اقوام وحشی مقاومت کند؛ ذوق و استعداد خود را در آفرینش آثار ادبی، هنری و علمی بروز دهد، و یا قیام‌ها و نهضت‌هایی را برای رهایی از یوغ سلطه متجاوزان و استعمارگران ترتیب دهد. مجموعه این عوامل، هنجارها و ارزش‌هایی را پدید می‌آورد که البته ریشه در نگرش‌ها، اعتقادات و بُعد حقیقت‌جویی یک ملت دارد.

هویت نزد حکیمان و افراد روان‌شناس به معنای تشخیص می‌باشد و آنچه را که حقیقت وجودی را تشکیل دهد با آثار و نشانه‌هایش گویند. این ویژگی درباره انسان‌ها به سرشت و غایت کمالشان مربوط می‌شود.

معمولاً وقتی از هویت فرد و یا جامعه‌ای سخن می‌گوییم می‌خواهیم ثابت کنیم که این شخص یا چنین اجتماعی به دلایلی چند با دیگری تفاوت‌هایی دارد. پس هویت عامل تمایز یک ملت از ملل دیگر می‌باشد و امتیازات جامعه‌ای را ترسیم می‌کند.



**در هویت ملی، استمرار، انسجام، تحول و دگرگونی دیده می‌شود، ولی خمیرمایه اصلی همچنان محفوظ است و در برخورد با فرهنگ‌های دیگر یا دخالت‌های بیگانگان، درون‌مایه اصلی ثابت می‌ماند و سستی، کاهلی و تزلزل در خود به وجود نمی‌آورد و در برابر دیگران زانو نمی‌زند، که البته تحقق این مهم به عزم ملی و همت مردم بستگی دارد.**

#### هویت ایرانی،

**در ساخت هنر معنوی** مردمان ایرانی از گذشته کوشیده‌اند با یک نوع تفسیر جالب از ارزش‌ها و اصولی که بدان معتقدند جنبه‌هایی از هویت ملی را معرفی و ترویج کنند و نیز با عنایت به همین تعالیم

آسمانی اسلام ذوق خویش را در معماری، خوشنویسی، نقاشی، آثار تجسمی، کتابت، تذهیب و... شکوفا کرده‌اند.

ایرانی بهترین جلوه‌های هنری خود را یا در اماکن مذهبی همچون مسجد و حسینیه به نمایش گذاشته و یا با الهام از این گونه اماکن و یا تأثیرپذیری از فضاهای مذهبی به احداث بناهای عمومی و مفید برای مردم روی آورده است. در مساجد گجیری‌ها، تزئینات معماری، آجرکاری و ایوان‌ها و طاق و قوس‌ها ضمن تنوع و جلوه‌های جالب هنری مفاهیمی معنوی و قرآنی را در اذهان تداعی می‌کنند. از آن طرف در آب‌انبارها، بارگیرها، سقاخانه‌ها، بازارها، کاروانسراها، نمادهایی مذهبی دنواز و جذاب و رمزگونه به نمایش نهاده شده‌اند. به عبارت دیگر، گرچه ظاهر این مکان‌ها و فضاهای برطرف کننده نیازهای اجتماعی و اقتصادی هستند، معیارهایی معنوی را نیز ترویج می‌کنند، که با فضیلت‌های اسلامی و انسانی هماهنگی دارند و این نکته‌ای است که اروپاییان بدان اعتراف کرده‌اند.

#### هویت و تهدیدها

هر بوستانی که رایحه روح‌نوازی را در فضای ذهن، دل‌ها و جان‌ها پراکنده می‌سازد، می‌تواند توسط علف‌های هرز و برخی آفت‌ها تهدید شود و اگر از این مجموعه پاسداری لازم نشود و باغبانان شایسته و حافظانی لایق حراست و صیانت از آن را عهده‌دار نشوند راه برای انگل‌های آلوده کننده هموار می‌شود.

#### یورش اقوام وحشی

مغولان قبیله‌ای بدوی از اقوام زردپوست بودند که نزد مسلمانان به نام‌های مغول و تاتار خوانده می‌شدند.

تاتارها توسط چنگیزخان متحد شدند. وی در سال ۶۱۶ با سپاهی فراوان به قلمرو ایران که در آن موقع توسط خوارزمشاهیان اداره می‌شد یورش بردند. لشکریان مغول طی پنج سال شهرهای بخارا، خوارزم، سمرقند، مرو، بلخ، هرات، طوس، نیشابور و ری را به ویرانه‌ای تبدیل کردند و میلیون‌ها نفر را از دم تیغ خود گذرانیدند یا آواره کردند. طبیعی است هجوم

به جهانیان عرضه کردند. به برکت اسلام مردم از ستمگران روی برتافتند، تعصب‌های قومی و نژادی را به کناری نهادند و طالب حقایق ناب و تشنه

فضایل و مکارم شدند و درخت پربراری در ایران به شکوفایی نشست، که نه شرقی بود و نه غربی و به قول پروفیسور «ارنست کونل»، تأثیر این مذهب چنان قوی و پرقدرد بود که بر روی سنت‌های بومی و محلی لایه‌ای از علایق معنوی پوشانید و آنها را به طرز حیرت‌انگیزی در جهت روشن و مشخص هدایت کرد.

#### رکن اساسی هویت ایرانی

با این وصف می‌توان گفت، باورهای دینی، هنجارهای اخلاقی و ارزش‌های مذهبی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به هویت ملی و فرهنگ ایرانی داشته است. مردم ایران در طول تاریخ سراسر افتخار خود با اتکا به این گنجینه‌های معنوی و بهره‌مندی از آموزه‌های تمدن‌ساز دین مبین اسلام و اقتباس از برخی ویژگی‌های مثبت فرهنگ‌های دیگران و فراگیری علوم گوناگون کارنامه خود را درخشان نمودند؛ برای مثال، به سرعت زبان و ادبیات و متون دینی را آموختند و با تسلط به زبان عربی به تنظیم قواعد صرف و نحو همت گماشتند، که این امر در ترویج فرهنگ اسلامی در قلمرو جهان اسلام بسیار موثر بوده است.

علاوه بر این قومیت‌های گوناگون، صرف‌نظر از خاستگاه جغرافیایی و گرایش‌های بومی به برکت باور اسلامی و معنویت آیین محمدی انسجام و اتحاد خود را حفظ کرده و یکپارچه برای صیانت از استقلال و تمامیت ارضی ایران کوشیده‌اند. برخی عوامل داخلی و خارجی مغرضانه یا جاهلانه از گذشته درصدد بوده‌اند از تکرر و تنوع طایفه‌ای، تعدد گویش‌ها و لهجه‌ها در ایران سوءاستفاده کنند و از این رهگذر امنیت و آرامش ایرانی را دچار اختلال کنند، که به برکت همان نیروی محرکه معنویت اسلام نقشه‌های شوم آنان خنثی شد، و از برکت این چشمه جوشان معنوی، طوایف گوناگونی سالیان متمادی در مجاورت هم زیسته‌اند و با عنایت به وسعت نظر آیین اسلام و نگرش فرازین قرآن و سنت، با هم تفاهم داشته و حتی به اقلیت‌های دینی در طول قرون و اعصار احترام گذاشته‌اند.

از طریق آموزش‌های درسی در مقاطع گوناگون به فراگیران آموخته می‌شود.

دانش جغرافیا ما را با سرزمین خود آشنا می‌سازد و دانشمندان عقیده دارند جغرافیا، تاریخ را تکمیل می‌کند و کسی که از این علم اطلاعی نداشته باشد نمی‌تواند تاریخ افتخارات سرزمین خود را درک کند. برخی تاریخ بدون جغرافیا را یک روح سرگردان دانسته‌اند. آشنایی با بستر جغرافیایی که نیاکان ما در آن به ایفای نقش پرداخته‌اند و یادگارهای ارزشمندی را برجای نهاده‌اند و نیز پی‌بردن به دلاوری‌های مردمانی از اعصار گذشته در دفاع از این مرز و بوم و محافظت از قلمرو جغرافیایی می‌تواند ما را به هویت سرزمین خویش بیشتر واقف سازد.

علاقه به زادگاه و وطن و احساس تعلق به ویژگی‌های مشترکی که ملیت ایرانی را قوام بخشیده و سامان داده‌اند و نیز آشنایی با نمادهای اقوام و طوایف ایران، فرهنگ و ادبیات، باورها، آداب و رسوم و مثل‌ها، مطالعه شرح حال دانشوران و پی‌بردن به رمز موفقیت مشاهیر و رجال گذشته و نقش ایرانیان در ایجاد تمدن اسلامی و تلاش‌های ایرانیان در غنی‌سازی فرهنگ جهانی، از موضوعاتی است که این هویت را استوار و تقویت می‌کند و از غبارها و کدورت‌ها مصون می‌دارد.

#### در جست‌وجوی هویت ایرانی

از ابتدای دوره هخامنشی که تمام ایران کنونی به اضافه بخش‌هایی از سرزمین‌های همسایه تحت یک فرمان درآمد حدود ۲۵ قرن می‌گذرد، که از این میزان چهارده قرن آن را ما با اسلام به‌سر برده‌ایم و این آیین جاودانی با صلابت در متن زندگی فردی و اجتماعی ایرانیان وارد شده و حتی بر جزئی‌ترین بخش‌های حیات فرهنگی، علمی و اقتصادی ایران اثر گذاشته است.

به برکت این دین، ایرانی از اسارت‌های درونی و بیرونی رهایی یافت و به شکوفایی علمی و فکری پرداخت و کارنامه درخشان و زرینی از خود بر جای نهاد، و هیچ ملتی چون ایرانیان در جهت ترقی و نشر آیین اسلام و ترویج اندیشه‌های مذهبی و تعالیم قرآن و عترت، همت به خرج نداده است. در آن عصری که این کشور گرفتار نظام طبقاتی، تعصبات قومی و برخی باورهای خرافاتی بود، اسلام نفخه تازه‌ای در ایران دمید و چنان مردمانش را به سوی کاوش و پژوهش در علوم و معارف راغب کرد که کاروانی از دانشمندان در هر عصری در آسمان علم و معرفت درخشیدند و اندیشه‌های نوین و یافته‌های فلسفی و علمی خود را در قالب کتاب‌های متعددی







**ایرانی بهترین جلوه‌های هنری خود را با در اماکن مذهبی همچون مسجد و حسینیه به نمایش گذاشته و یا با الهام از این‌گونه اماکن و یا تأثیرپذیری از فضاهای مذهبی به احداث بناهای عمومی و مفید برای مردم روی آورده است.**

تقلید از غربی‌ها تلقی کردند. ترجمه آثار ادبی اروپاییان به فارسی و نیز رواج روزنامه و نشر آن

یک قوم وحشی و سلطه چنگیز و هلاکو و تحمل صدمات و ویرانگری‌های آنان یکی از دشوارترین

ادوار تاریخ مردم ایران است. کم‌کم مغول‌های فاتح با مردم مغلوب و شکست‌خورده ایران که هیچ قدرت دفاع در برابر وحشی‌گری‌های آنان نداشتند انس و الفت پیدا کردند و دانشمندان و مشاهیری چون خاندان جوینی و خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی در دستگاه آنان نفوذ کردند و به آنان در اداره قلمرو ایران کمک کردند و چنین عالمانی برجسته توانستند مغولان را با طبع سلیم و تمدن و هویت ایرانی آشنا کنند. شعرای برجسته‌ای چون مولوی و سعدی در این عصر ظاهر شدند، و عرفا، مورخان و نویسندگان کوشیدند شاهزادگان و امیران مغول را مطابق فرهنگ ایرانی و ارزش‌های اسلام تربیت کنند. ریاضی‌دانان در تنظیم امور مالیات، کارهای ساختمانی و پزشکی در معالجه امراض و ستاره‌شناسان در تنظیم تقویم و مانند اینها، به کار گرفته شدند. مورخان برجسته اجازه یافتند با نگارش کتاب‌هایی ارزشمند نام و تاریخ ایران را ماندگار سازند. عرفان به اوج خود رسید و لطیف‌ترین معانی معنوی در قالب عباراتی موزون درآمد، و...

ملاحظه می‌شود که ایرانیان فاضل چگونه هویت ایرانی را در مقابل این آفت حفظ کردند و حتی از این کودهای آلوده و علف‌های وحشی و هرز، گلستانی سرسبز و معطر آرایش دادند. این نکته عبرت‌انگیز و مهم را در نظر داشته باشیم که اگر ما به فرهنگ خودی متکی باشیم و اصالت ارزشی آن را فراموش نکنیم می‌توانیم حتی وحشی‌ترین اقوام را مطیع خود کنیم.

### فرهنگ مهاجم

موج دومی که هویت فرهنگی ایرانی را تهدید می‌کند نفوذ فرهنگ و فکر اروپایی در ادب و میراث فرهنگی ایرانی است. هرچند ارتباط با غربی‌ها از عصر صفویه آغاز شد، اما این وضع در دوران قاجاریه شدت یافت و با استخدام کارشناسان خارجی برای آموختن فنون مختلف، افتتاح مدارس جدید و تنظیم قراردادهای سیاسی - اقتصادی میان ایران و کشورهای اروپایی، کم‌کم نفوذ بیگانگان در ایران رواج یافت. برخی از ایرانیان هم به منظور فراگیری فنون علمی و نظامی راهی فرنگ شدند و ناقل فرهنگ و تمدن غربی شدند و حتی برخی همچون تقی‌زاده و فتحعلی آخوندزاده و امثال آنان آن قدر دچار خودباختگی شدند که راه ترقی و توسعه را در

این روند را سرعت بخشید. برخی روشنفکران شیفته فرهنگ مهاجم شدند و فرهنگ مولد خودی را فراموش کردند و کوشیدند با ترجمه و تالیف آثاری، این روند دلخواه خود را در میان ایرانیان رواج دهند. احمد روحی کرماتی با ترجمه سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، میرزا عبدالرحیم طالب‌باف مولف کتاب احمد، میرزا محمدحسین فروغی (پدر محمدعلی فروغی) با تالیف آثار گوناگون، حاج زین‌العابدین مراغه‌ای مولف سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ و میرزا ملک‌خان با انتشار روزنامه قانون در این راه گام برداشتند.

در مقابل آنان، عده‌ای از ادیبان و شاعران و نیز نویسندگان تلاش کردند با پدید آمدن تحول جدید و استفاده از امکانات موجود به هویت ملی و خویشتن اصیل تکیه کنند. در عین حال به جنبه‌های مفید دانش و فنون اروپا هم توجه داشتند. بنابراین، دومین عامل تهدیدکننده هویت هم به مقصد شوم خود نرسید و این بوستان اندیشه و معرفت به عطارفشانی خود ادامه داد، و چراغ اندیشه خودی که از فرهنگ اسلامی انرژی می‌گرفت همچنان روشن ماند و به پرتوافشانی پرداخت.

### استبداد و استکبار

عامل سومی که این هویت بومی و اصیل و ارزشی را به مخاطره می‌انداخت، ستم حاکمان پیدادگر، رواج استبداد و اختناق و گسترش فساد دربارها و رفتارهای ناپسند فرمانروایان مستبد با اقشار مردم خصوصاً کاروان علم و معرفت بود. این وضع خفقان‌زا که در تاریخ معاصر با حرکت‌های استعمارگران توأم شده بود مخالفت مردمان مسلمان، اندیشه‌مندان، علما و روحانیان را برانگیخت متفکران و اصلاحگران مومن برای بیداری مردم و افشای ستم تلاش کردند. به وقوع پیوستن قیام‌ها، جنبش‌های ضد ستم و حرکت‌های مخالف نقشه‌های استعمار در این راستا و برای خنثی کردن چنین آفت‌هایی صورت گرفت. نقش علمای شیعه در چنین خیزش‌های اجتماعی - سیاسی بسیار برجسته و تأثیرگذار می‌باشد. نهضت سرداران از آن جمله است و در عصر قاجاریه باید به قیام تنباکو و جنبش مشروطه اشاره کرد. رهبری این قیام‌ها و حرکت‌های خودجوش مردمی را علمای شیعه عهده‌دار بوده‌اند. میرزای شیرازی، میرزا محمدحسن آشتیانی، سیدجمال‌الدین اسدآبادی و

شیخ فضل‌الله نوری در این میان ضمن تأکید بر اصالت‌های مذهبی و بنیان‌های ارزشی، برای نفی استبداد و استکبار مجذانه کوشیدند.

### موریانه‌های فرهنگی

عامل چهارم یا بهتر است بگوییم آفت دیگر، چندین حرکت انحرافی است که درصدد بوده‌اند این رودخانه خروشان را با آن طراوت و صلابت از مسیر اصلی خود خارج کنند. این مجموعه را می‌توانیم «موریانه‌های فرهنگی» بنامیم که می‌توانند فرهنگ و هویت بومی را از درون، دچار زوال و انحطاط کنند. برای نمونه:

- رواج فرهنگ تصوف و گرایش به انزواگزینی، القای فرهنگ عزلت و بی‌خاصیت به جامعه به جای عرفان، حماسی و حماسه‌های عرفانی.

- برداشت‌های غلط، انحرافی و التقاطی از مفاهیم دینی و فرهنگی که محصول آن رواج فرقه‌گرایی، غلو، افراط و تفریط، پیدایش افکار منجمد، تجر، رسوب اندیشه‌ها و جلوگیری از پویایی، ابتکار و خلاقیت می‌باشد.

- رواج خرافات، آداب و رسوم جاهلانه و ترویج باورهای موهوم به جای فرهنگ بومی.

ملی‌گرایی و ناسیونالیسم نه به قصد دفاع از ملت، بلکه به‌منظور تخریب باورهای مردمی و ایجاد تفرقه برای خنثی کردن چنین آفت‌هایی و جلوگیری از آن فرهنگ منحط منحرف و منجمد باید به خویشتن راستین خود بازگردیم؛ آن خویشتنی که معنویت، ایمان و معرفت را به عنوان ذخیره‌ای گران‌بها با خود دارد. این هویت اصیل تقلید کورکورانه، مدبرستی، ملی‌گرایی صرف، سکولاریسم و خودباختگی در برابر اندیشه‌های وارداتی را بر نمی‌تابد و بر استقلال کامل، رشد و تعالی فکری و فرهنگی تأکید دارد.

منابع

۱. تاریخ ایران زمین، دکتر محمدجواد مشکور.
۲. خدمات متقابل اسلام و ایران، شهید آیت‌الله مرتضی مطهری.
۳. معارف و معارف، ج ۱۰، سیدمصطفی حسینی دشتی.
۴. فرهنگ معین، ج ۴، دکتر محمد معین.
۵. گفت‌وگو با دکتر بهرام احمدیان، جام‌جم، پنج‌شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۸۶.
۶. هویت ملی، تعاریف و مولفه‌های آن، جعفر خوشروزاده.
۷. هویت ایرانی، دکتر محمد تقی‌زاده و روزنامه اطلاعات، ۲۵ خرداد ۱۳۸۲، شماره ۲۲۷۹۴.
۸. دیپلمای بر رهبری، دکتر ناصرالدین صاحب‌الزمانی.
۹. کارنامه اسلام، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب.
۱۰. نصر اسلامی، ارست‌کونل آلمانی، ترجمه هوشنگ طاهری.

